

درآمد: حسام السلطنه به معین الملک: گزارش رخداد‌های مختلف در استانبول و سایر نقاط

۸۶ (الف)

هو الله تعالی

جناب جلالتمآب معین الملک دام مجده از رمضان المبارک بیرون شده‌ام مزاجم از حالت سابق برگشته احوالم خوب نیست و علیل شده‌ام. در یالی خود موسوم به منظریه هستم. قطعاً شما هم این اوقات در یالی خود تشریف دارید. هر وقت آن وصفها را بخاطر می‌آورم افسوس می‌خورم که چرا زود آمدم. صحبت‌های جنابعالی و طرز سلوک و حالت مهربانیهای مخصوص شما که یادم می‌آید از آمدن به آن صفحات بی‌اختیار می‌شوم. یا لیتنی کنت معکم. امیدوارم که خداوند متعال دوباره اسباب زیارت بیت‌الله الحرام را فراهم بیاورد که از آن لذت‌ها بیایم و جناب عالی را ببینم. انشاءالله تعالی.

پاکتی از خوش ذاتهای تجار اسلامبول به اسم نواب مستطاب حاجی معتمدالدوله دام اقباله آوردند معلوم شد داده در متن مرا هم اسمی برده بودند و شکوه زیادی از حاجی نجفعلی خان جنرال قونسل از آن حرفهائی که در بودن خودم عریضه می‌دادند و همه لغو بی‌معنی بود نواب معظم الیه دادند من خواندم و تفصیل را خدمتشان عرض کردم و آنچه در اسلامبول واقع شده بود بیان کردم. قرار گذاشتیم که همان عریضه را نواب والا برای جنابعالی بفرستند و اعتنائی به جواب نفرمایند.

از اسلامبول تا طهران کدام فضول است که اینطور عریضه می‌نویسد. احتمال می‌رود که در اینجا ساخته باشند بسیار لغو نوشته بودند که هر کس می‌دید می‌فهمید که لغو است و محرک دارد. باری مقصود استحضار شما بود. جواب عریض سفارت اسلامبول را جناب اجل اکرم وزیر مکرم دام اقباله به ملاحظه نمی‌گذرانند. بیچاره منشی باشی از پا در افتاده کفشها پاره کرده و کوچه‌ها را پا زده و هیچ کاری صورت نداده تازه فرامین نشان‌ها را نوشته‌اند و به مهر حضرت وزارت رسیده ولی از صحه همایون نگذشته. حالت‌ها اینست سواد مطابق اصل است که شما مشاهده می‌فرمائید.

سلیمان پاشا که مراجعت به اسلامبول کرد ندانستم چه گفت و با شما چگونه صحبت کرد و قرار شیخ ملعون و اکراد را چطور دادند. در روزنامه اختر که دیده شد کار شیخ ملعون بالا گرفته و احترامات فوق‌العاده درباره مشارالیه معمول شده با بودن جنابعالی در قبةالسلام اینطور احترامات منافات دارد. حیرت اندر حیرت آمد زین قصص/ بیخودی خاصگان اندر اخص. بیچاره سید حسین هم بابعالی را از پا کنده او نیز مثل منشی باشی طول و

عرض کوچه‌های اسلامبول را می‌پیماید و انگشت حسرت می‌خاید. هفت شهر عشق را عطار گشت / او هنوز اندر خم یک کوچه‌است

این چند روز با جناب سفیر کبیر فخرالاماتل و الاشباه ملاقات خواهم کرد. امیدوارم به عون‌الله او را به اصلاح کار عمه زاده فلک زده برانگیزانم و الا تا سعید شقی در کار است حسین متقی گرفتار.

شریف عون کارش چه شد. عبدالمطلب را شنیدم مرده است یا مسمومش کرده‌اند. اگر راست است این جناب عون را معین باشید شاید به جای اصلی خود برگردد و برای حسین فرجی حاصل آید. جواب کتابچه مرا اعلیحضرت سلطان مرحمت نفرمودند یا جنابعالی از خواستن و گرفتن و یادآوری اهمال کردند. الله اعلم

نظر آقا نوشته بود که چای دان و قند دان و شیردان و سینی را تمام کرده به اسلامبول خدمت سفیر کبیر معین‌الملک دام اقباله فرستادم یکصد و پنجاه و هفت تومان حواله کرده بود به باباخان سرهنگ که خویش نظر آقاست و دادم قبض گرفتم اگر فرستاد البته به اقرب وسایل خواهید رساند. انشاءالله.

جناب سفیر کبیر عثمانی را در هر مجلس مداح جنابعالی دیده‌ام.

میرزای شوکت که رطب اللسان و عذب الیبان بوده و هست اگر جواب مرا زود و خوب و مفصل بنویسد این بار روضه الشهداءی موطی بشما مینویسم.

از اختر روزنامه به من نمی‌رسد بدانید روزنامه اختر را از طهران گرفته و می‌خوانم. از ورود دارالخلافه تاکنون روزنامه نرسیده معلوم نیست که مباشر رساندن کیست.

ارباب مناصب سفارت کبری را از جانب من احوال پرسی فرمائید خدام سفارت را بشرح ایضاً.

مانی مانی را رویوسی کنید. پسر مرحوم آقا را دیدم برای خدمتگذاری بی بی شایستگی دارد مبادا به جای دیگر نامزدش کنید الادب یمنع الا بعد وام شب ۲۵ شوال ۹۸ تحریر شد.

پانوش: یالی، یالو، یالود: کلمه ی ترکی به معنی محل خاص، منزل در کنار دریا، ساحل.

مماطله: معطل کردن، در انتظار نگه داشتن.

حیرت اندر حیرت آمد زین قصص/ بیخودی خاصگان اندر اخص: از مثنوی مولوی.

هفت شهر عشق را عطار گشت / ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم: از منطق الطیر عطار.

شیخ ملعون: منظور شیخ عبیدالله نه‌ری، رهبر قیام کرده‌است که در سال ۱۲۹۷ رخ داد.

حسام السلطنه : سلطان مراد میرزا دارای سمت های مختلف در دربار قاجار؛ از جمله حکومت خراسان و فارس، کردستان و کرمانشاه در دوره های متفاوت . در عهد صدارت امیر کبیر شورش حسن خان سالار در خراسان را سرکوب کرد.